

وزارت فرهنگ و آموزش عالی

موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

(پژوهشگاه)
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد تاریخ

عنوان

تاریخچه تاسیس مدارس جدید از عهد مظفرالدین شاه
تا پایان دوره قاجاریه

استاد راهنما
دکتر منصوره اتحادیه

استاد مشاور
دکتر آذر میدخت مشایخ فریدنی

نگارش
زهرا حامدی

بهمن ۱۳۷۱

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۵.....	معرفی و بررسی منابع و مآخذ
	پیشگفتار: تعلیمات سنتی و زمینه های پیدایش آموزش نوین، تشکیلات معارف
۱۹.....	مدخل
	الف: تعلیمات سنتی و زمینه های آموزش جدید
۲۳.....	۱- مکتب خانه و دروس آن
۲۶.....	۲- زمینه های پیدایش آموزش نوین
	ب: تشکیلات معارف
۳۳.....	۱- میرزا حسن رشديه و اقدامات وی در تاسیس مدرسه
۳۶.....	۲- نقش امین الدوله
۳۸.....	۳- اقدامات و فعالیت های انجمن معارف
	فصل اول مدارس جدید از سلطنت مظفرالدین شاه تا پایان دوره قاجاریه
۶۲.....	الف: مدارس عصر مظفری
۹۸.....	ب: مدارس از انقلاب مشروطیت تا انقراض قاجاریه
۱۳۴.....	ج: کمک های مالی مردم و نقش آنها در تاسیس و توسعه مدارس
	فصل دوم: برنامه درسی مدارس، تاریخچه تاسیس دارالمعلمین و دارالمعلمیات
	الف: برنامه درسی مدارس
۱۵۵.....	۱- محتوای دروس مدارس
۱۵۵.....	۱-۱- مواد درسی مدارس پسرانه (مقطع ابتدایی)
	الف

۱-۲- مواد درسی مدارس پسرانه (مقطع متوسطه)..... ۱۵۸

۱-۳- مواد درسی مدارس دخترانه (مقطع ابتدایی)..... ۱۵۸

۲- کتب تالیف شده و مولفان آنها..... ۱۵۹

ب: دارالمعلمین..... ۱۶۳

ج: دارالمعلمات..... ۱۶۸

فصل سوم: مصوبات مجلس در چهار دوره قانونگذاری، اجرای قوانین، تخصیص بودجه

الف: مصوبات مجلس در چهار دوره قانونگذاری..... ۱۷۶

۱- قوانین مصوب دوره اول، دوم، سوم مجلس شورای ملی..... ۱۷۸

۲- فترت بین دوره سوم و چهارم مجلس شورای ملی..... ۱۸۵

۳- مصوبات دوره چهارم مجلس شورای ملی..... ۱۸۷

ب: اجرای قوانین، تخصیص بودجه..... ۱۸۸

فصل چهارم: آمار مدارس، شاگردان، فارغ التحصیلان و معلمان در سالهای تحصیلی

۱۲۹۷ ش/ ۱۳۳۶ ق، ۱۳۰۴- ۱۳۰۲ ش/ ۱۳۴۴- ۱۳۴۱ ق

۱- آمار مدارس..... ۲۱۱

۲- آمار شاگردان..... ۲۱۴

۳- آمار فارغ التحصیلان..... ۲۱۶

۴- آمار معلمان..... ۲۱۸

نتیجه..... ۲۲۳

ضمائم:

ضمائم پیشگفتار..... ۲۲۹

ضمائم فصل ۱..... ۲۳۴

ضمائم فصل ۲.....	۲۵۲
ضمائم فصل ۳.....	۲۷۶
ضمائم فصل ۴.....	۳۰۱
کتابشناسی.....	۳۳۰

تقدیم به:

پدرو مادر مهربانم،

آنان که طپش قلبهاشان شور زیستن را
در شریانهای حیاتم جاری ساختند و از همان
آغاز انگشتانم را با قلم فهمیدن و دانستن پیوند
جاودانه زدند. و لوح خاطرم را به مکتب دار روزگار
سپردند تا نقش علم و عشق را بر روی آن حک
نماید.

سپاس و قدردانی:

در آغاز رساله، وظیفه خود می‌دانم که از حمایت بی‌شائبه و راهنمایی‌های سودمند سرکار خانم دکتر منصوره اتحادیه استاد راهنما، تشکر و قدردانی نمایم. بی‌شک فراهم آمدن این رساله مرهون راهنمایی و رشادهای ارزنده ایشان است.

همچنین از سرکار خانم دکتر آذر میدخت مشایخ فریدنی استاد مشاور، که نکات سودمندی را در زمینه شکل و محتوای رساله ابراز داشتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

در ضمن لازم می‌دانم از دیگر اساتید محترم و سرورانی که در تدوین این رساله، مساعدت و همکاری نموده‌اند یا دکرده و تشکر و سپاس خود را نسبت به همه آنها ابراز نمایم:

دکتر ناصر تکمیل همایون - که با وجود ضیق وقت، نکات ارزنده‌ای را در ارتباط با رساله یادآوری نمودند، دکتر هوشنگ ساعدلو - که در خواندن اعداد و ارقام دوره قاجار - خط سیاق - مرابری داده‌اند، دکتر اسماعیل رضوانی، استاد جمشید صداقت‌کیش.

سرکار خانم دکتر ملکمیان - استاد متخصص در زمینه آمار -.

خانم مفتاح - اسناد مربوط به جد خود، میرزا محمود خان مفتاح الملک را در اختیارم گذاشتند -.

خانم اکرم جودی - دانشجوی دوره دکتری ادبیات فارسی در ویسش رساله همکاری نمودند -.

و از خانم مریم حامدی خواهرمهربانم - که در کشیدن نمودارهای کامپیوتری کمک نمودند -.

همچنین از مراجع اطلاع رسانی، کتابخانه‌های :

- موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی .
- مرکزی دانشگاه تهران .
- مجلس شورای اسلامی .
- ملی ایران .
- وزارت آموزش و پرورش .
- میرزای شیرازی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز .
- شهید دستغیب (شیراز) .
- سازمان اسناد ملی ایران و مرکز آمار ایران که همکاری لازم را در تسهیل امر تحقیق با نگارنده رساله داشته ، تقدیر و تشکر می کنم .

و از خداوند منان برای همه این بزرگواران

طلب سعادت و موفقیت می نمایم .

"زهرا حامدی"

مقدمه

تأثیر تعلیم و تربیت یکی از ارکان مهم هر جامعه محسوب می شود و اساس حیات فرهنگی هر جامعه بر این امر استوار است .

هرچه نهاد تعلیم و تربیت علمی ترویجی و تربوده و از پیشرفت کایایی لازم برخوردار باشد ، در توسعه و ترقی کلی جامعه ، تاثیر بسزایی خواهد داشت و امروزه رابطه مستقیم علم ، آموزش و توسعه برکسی پوشیده نیست . در این رساله ، هدف بررسی تاریخچه مدارس از زمان سلطنت مظفرالدین شاه تا پایان دوره قاجاریه که کوششی در جهت ارائه تصویری از چگونگی شکل گیری آموزش نوین و تاسیس مدارس جدید و سیر آن در این فاصله تاریخی است .

توجه اصلی در این پژوهش معطوف به تعلیمات ابتدایی است و در این بررسی ، آن دسته از مدارسی که زیر نظر وزارت معارف بودند مطرح می گردد و ذکر ایام مدارس چون : سیاسی ، فلاحی ، صنایع مستظرفه ، موزیک ، موسیقی و حتی مدارس خارجی ، بدلیل اینکه در حیطه پژوهش قرار ندارند ، نشده است . ضمناً " نظر به اینکه در مورد مدرسه دارالفنون بارها و بارها در کتب

متعدد مطالبی ذکر گردیده است، در اینجا از ذکر مجدد آن خودداری می‌شود و صرفاً "در فصل ۲ مدارس"، به عنوان یکی از مدارس متوسطه خواهد آمد.

محتوای پژوهش :

این رساله از یک پیشگفتار و چهار فصل تشکیل شده است. در بخش پیشگفتار ضمن بررسی وضعیت تعلیمات سنتی (مکتبخانه‌ها "وعوام" موثر در پیدایش آموزش نوین، نقش فرهنگی میرزا حسن رشدیه، اقدامات امین الدوله و نخستین تشکیلات معارف (انجمن معارف)، اعضای تشکیل دهنده و فعالیت‌های انجمن در ارتباط با تاسیس مدارس طرح می‌شود. فصل اول :

این فصل اختصاص به مدارس تاسیس شده، از زمان سلطنت مظفرالدین شاه تا پایان دوران قاجار دارد که به شناسایی و بررسی چگونگی تاسیس مدارس در تهران و شهرستانها، ابتدا در عصر مظفری و سپس از انقلاب مشروطیت تا پایان دوره قاجاریه پرداخته می‌شود، همچنین نقش کمکها و حمایت‌های مالی "مردم" در رشد و توسعه مدارس بررسی می‌گردد.

فصل دوم :

در این فصل برنامہ درسی مدارس در مقاطع ابتدایی و متوسطه (مدارس پسرانه و دخترانه) کتابهای که به منظور تدریس، تالیف شده بود بررسی می‌شود همچنین تا ریشه تاسیس مدارس را معلمان و دانشمندان (با توجه به نیاز مدارس به معلم) ذکر می‌گردد.

فصل سوم :

این فصل اختصاص به مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره قانونگذاری

دارد و آنچه که در ارتباط با امور معارف به تصویب رسیده ذکر می شود . .
ضمناً " وضعیت بودجه مدارس درواپسین روزهای سلطنت قاجاریه بررسی
می گردد .

فصل چهارم :

آمار مدارس ، شاگردان ، فارغ التحصیلان و معلمان در سالهای تحصیلی
۱۲۹۷ ش / ۱۳۳۶ ق و ۱۳۰۴ - ۱۳۰۱ ش / ۱۳۴۴ - ۱۳۴۰ ق . در تهران
و چند شهرستان آورده که در آن روند و سیر وضعیت معارف در هر یک از مناطق
با ارائه آمار بررسی می شود

برصاحب نظران پوشیده نیست که بدلیل عدم ارائه یک کار منسجم در این
باره ، تدوین یک رساله از لایلای مطالب پراکنده جرایدها لنامها ،
خاطرات و دیگرما خذکتبی جهرا ه دشواری در پیش خواهد داشت . اما به دلیل
علاقه ای که به این موضوع داشتم و سئوالهای مختلفی که پیرامون آن به ذهن
متبادر می شد ، مصمم شدم تا روند تعلیم و تربیت کشور را در شیوه جدید آن
مورد پژوهش قرار دهم .

مینا قرار دادن سلطنت مظفرالدین شاه ، در این پژوهش از این جهت
است که شخصین مدار آن به سبک جدید در سطحی نسبتاً " وسیع از این زمان
آغاز می شود .

پاره ای از سئوالات اساسی که در این پژوهش در صدد پاسخگویی بدانها است
عبارتند از :

۱- چه کسانی به توسعه معارف علاقه مند بودند و هدفشان از شرکت در این
امر چه بوده است ؟ توسعه معارف یا معروفیت و شهرت ؟

۲- نقش دولت و مردم در تاسیس مدارس به چه صورت بوده است ؟

۳- آیا امکان تحصیل برای همگان وجود داشته است ؟ چه تسهیلاتی در این رابطه فراهم گردیده است .

۴- چه مقاطع تحصیلی در این مدارس وجود داشت ؟

۵- تاثیر وضعیت سیاسی کشور بر ارتقاء تعلیم و تربیت .

۶- مصوبات مجلس شورای ملی در چهار ردوره قانونگذاری در ارتباط

با امور معارف تا چه میزان در قانونی کردن این نهاد موثر بوده است ؟

۷- تاثیر کشورهای دیگر بر تاسیس مدارس جدید در ایران و وضع قوانین مربوط به معارف .

۸- شیوه تامین هزینه مدارس چگونه بوده و اینکه آیا بودجه‌ای به وزارت معارف اختصاص داشته است ؟

مشکلات چندی در راه تهیه این رساله وجود داشته است؛ از جمله: عدم وجود منابع منسجم و کافی درباره موضوع که تا چار، مطالب لازم را از لایبای روزنامه‌ها، اما رساله‌ها، اسناد و خاطرات جمع‌آوری نموده‌ام .

دیگر اختلافات ما رهای ارائه شده و مشکل تبدیل اطلاعات خام و پراکنده به جدول منظم و نمودارهای کامپیوتری و ارتباط دادن مطالب با اعداد و ارقام که در حیطه رشته تخصصی نگارنده نبوده است .

مشکل دیگر نا همگونی مطالب اسناد (سازمان اسناد ملی) و مطالب روزنامه‌ها، زیرا که بیشتر مطالب از طریق میکروفیلم روزنامه‌ها استخراج شده است و ارائه برخی از آنها روجوه اعانه به خط سیاق (در روزنامه‌ها) بوده است .

در مجموع آنچه فراهم آمده است، حاصل بیش از یک سال کا و تلاش مستمر است که با این همه با زحالی از نقص و اشتباه نیست . یقیناً " راهنمای بی‌نظر صاحب نظران تکمیل کننده" این پژوهش خواهد بود و انتقادات آن خواهد کاست .

معرفی و ارزیابی منابع و مآخذ:

در تدوین این رساله از منابع و مآخذ گوناگونی استفاده شده است که می‌توان آنها را در پنج دسته عنوان کرد:

۱- جراید

۲- کتابهای تالیف شده

۳- سالنامه‌ها

۴- اسناد منتشر نشده سازمان اسناد ملی ایران (وزارت کشور)

۵- مجموعه مصوبات مجلس

معرفی و ارزیابی همه آنچه که در این دسته‌بندی مورد استفاده قرار گرفته از حوصله رساله خارج و موجب اطاله کلام می‌گردد، لذا به حسب ضرورت و در حد توان، در هر دسته پاره‌ای از منابع مهم معرفی و ارزیابی می‌شود.

۱- جراید:

معرفی جراید و تکیه بر آن در این مبحث به لحاظ آن است که با توجه به فقدان و کمبود منابع منسجم و مستقل درباره موضوع مورد پژوهش، اساس کار بر اطلاعات ارائه شده از سوی جراید منتشره در دوره قاجار گذاشته شده است، که بیشتر آنها همزمان با تاسیس مدارس جدید انتشار یافته‌اند.

روزنامه تربیت: این روزنامه در طی نه سال از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۵ هجری قمری با چهار صدوسی و چهار ر شماره مدیریت و صاحب امتیازی میرزا محمد حسین خان فروغی (ذکاء الملک) انتشار یافت.^۱ اهمیت این روزنامه به درپژوهش حاضر به دلیل موضع بیطرفانه و در عین حال خوش بینی خاصی است که

نسبت به مسائل مربوط به تأسیس مدارس داشته است و مطالب را با تشریح شیوا و ساده بیان نموده است. مدیر روزنامه محمدحسین خان ذکاء الملک گاهی اوقات به بازدید مدارس می‌رفته و آنچه را که در مدارس اتفاساق افتاده، از نزدیک مشاهده می‌نموده است. بنا بر این بخشی از محتوای روزنامه بر اساس مشاهدات خودش نگاشته شده است و بخشی دیگر بر اساس گزارشهایی بوده که از مدارس به اداره روزنامه می‌رسیده است. تعریف و تحسین در باب اخبار مدارس جدیدالتأسیس به حسن مطالب ذکر شده افزوده است.

روزنامه معارف: در روزنامه به همین نام منتشر می‌شده است. یکی به صاحب امتیازی انجمن معارف و مدیریت میرزا محمودخان مفتاح الملک و دیگری به مدیریت شیخ محمدعلی بهجت دزفولی بوده است. نخستین روزنامه در بین سالهای ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ هجری قمری در هفتاد و دو شماره انتشار یافت. مطالب این روزنامه درباره امور معارف و تأسیس مدارس است.

همچنین در برخی شماره‌های آن مطالب علمی که درباره حرکت زمین و بعضی تجربیات فیزیکی و شیمیایی به‌صورت و اشکال با توضیح آورده شده است.^۲ در این روزنامه مطالبی درباره تأسیس مدارس آمده است اما بدلیل اینکه مدیر روزنامه میرزا محمودخان مفتاح الملک بوده و ریاست مدرسه افتتاحیه را داشته، پیرامون این دو مدرسه اطلاعات جامعی ارائه داده است. و از مدارس دیگر اخبار کمتری آورده است. هرچند در خلال مطالب، به روند تشکیل و تأسیس مدرسه سعادت بو شهر و میزان اعانات پرداختی توسط اشخاص مختلف را آورده و به مدرسه لقمانیه تبریز نیز اشاره کرده است. همچنین کلیه اعانات پرداخت شده توسط افراد به انجمن معارف و دبستان

دانش را البته به خط سیاق آورده است. این روزنامه تنها منبعی است که شرح مفصّل در پیوسته ارائه اعانات دارد که همگی از محاسن آن محسوب میشود. ذکر مختصّارج برخی از مدارس از دیدگاه مطالبی است که در این روزنامه آمده است که البته میزان این هزینه‌ها مربوط به سالهای محدودی است. از جمله این مدارس: علمیه شرف، مظفریه، افتتاحیه و دانش می‌باشد.

روزنامه دیگری به اسم معارف به مدیریت شیخ محمدعلی بهجت دزفولی منتشر می‌شد که در سال ۱۳۲۴ هجری قمری انتشار یافت.^۳ این روزنامه مطالبی را درباره تاسیس مدارس در سالهای ۲۵-۱۳۲۴ ق آورده است و البته مطالب آن به گستردگی روزنامه معارف که پیشتر از آن سخن رفت، نیست.

روزنامه ایران: انتشار این روزنامه در دو دوره صورت گرفته است و اولین شماره آن از عصرنا صری در سال ۱۲۸۸ قمری منتشر شده است. دوره دوم انتشار از ۱۳۳۴ ق ۱۲۹۵ ه. ش بوده است. اما آنچه مربوط به دوران مورد بحث این پژوهش است، سال ۱۳۰۲ ش - ۱۳۴۱ ق را در بر می‌گیرد که مدیریت آن با میرزا زین العابدین رهنما بوده است و مطالبی در خصوص افتتاح مدارس و ثبت نام شاگردان، به صورت اعلان آورده است که قابل توجه می‌باشند. روزنامه ایران نو: این روزنامه در دو دوره که اولین دوره آن از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ هجری قمری منتشر شده و دوره دوم در سال ۱۳۴۱ ق / ۱۳۰۲ ش منتشر گردیده است. روزنامه فوق‌ارگان حزب دموکرات (در سالهای آغازین انقلاب مشروطیت) بود. این روزنامه ضمن درج مطالبی درباره اوضاع سیاسی اجتماعی، داخلی، خارجی، به امور فرهنگی نیز پرداخته است. به خصوص کسبه دموکراتها اهمیت ویژه‌ای به تاسیس مدارس و تعلیمات اجباری می‌دادند، و همچنین به تعلیمات نسوان توجه داشتند. در نتیجه در روزنامه خود به درج

مطالبی چون تاسیس مدارس پسرانه و دخترانه، مصوبات مجلس دوم از جمله اعزام محصلان به خارج در ۱۳۲۹ ق / ۱۲۹۰ ش و شرایط اعزام شوندگسان، پرداخته است. همچنین اعلاناتی درباره تاسیس و افتتاح مدارس، در سالهای ۱۳۰۲ آورده است. اهمیت روزنامه ایران نو و نیز روزنامه ایران، بدلیل اینکه برای مسائل مربوط به معارف و لوییتی قائل نبودن آن زد و روزنامه‌ای که بیشتر ذکر شد یعنی معارف و تربیت کمتر است.

روزنامه نوبهار: به مدیریت ملک الشعرا بهار، که ابتدا در شهر مشهد در سال ۱۳۲۸ قمری تاسیس گردید و در ۱۳۳۳ ق به تهران منتقل شد. پس از چند بار توقیف‌های تا "۱۳۰۱ ش / ۱۳۴۰ ق تا ۱۳۰۲ ش / ۱۳۴۱ ق" و چهار شماره نشر گردید. در این دوره، مطالب تاریخی و ادبی آن بر مطالب سیاسی رجحان داشته است.^۶

از این روزنامه به دلیل مقالاتی که درباره بودجه سالهای ۱۳۰۱ ش وزارت معارف و اوقاف نوشته، بهره گرفته شد. از میان جراید علاوه بر روزنامه‌های مذکور، مجله تعلیم و تربیت که از سال ۱۳۰۴ ش، توسط علی اصغر حکمت انتشار یافته جایگاه ویژه‌ای دارد و از شماره‌های مختلف آن در سال ۱۳۰۴ استفاده شده است. و مطالب عمده‌ای در این روزنامه درباره آثار و اسامی مدارس، شاگردان و فارغ التحصیلان تهران در سال ۱۳۰۴ ش است. همچنین در مورد وضعیت بودجه معارف برخی استاها، نظیر استاها آذربایجان و مسائل دیگری در خصوص امور معارف، مطالبی آورده و تا آنجا که مربوط به بحث پژوهش می‌شده، استفاده شده است.

۲- کتابهای تالیف شده :

آثار مدونی که مورد استفاده قرار گرفته، مشتمل است بر: خاطرات سیاسی و سرگذشت‌های شخصی و تالیفاتی که درباره انقلاب مشروطیت قلم زده شدند. خاطرات اشخاص مختلف خود به چند بخش تقسیم می شود، بخش اول: خاطرات کسانی است که خود در مکتب خانه های قدیم، درس خوانده و از نزدیک و از احوال مکتب خانه ها را دیده اند و به شرح آن پرداخته اند، بطور مثال می توان به شرح زندگانی من (یا تاریخ اجتماعی واداری دوره قاجاریه) از عبدالله مستوفی اشاره کرد. بخش دوم: خاطرات کسانی است که از اعضای انجمن معارف بوده و از نحوه تاسیس انجمن معارف و مدارس سخن راندند و حتی خودبانی مدارس گردیدند نمونه بارز آن - یحیی دولت آبادی و میرزا محمودخان احتشام السلطنه می باشد. هرچند اشخاصی نظیر ممتحن الدوله، نیز بودند که در انجمن معارف حضور داشته، اما در خاطرات خود اسمی از معارف و مدارس نبرده اند. بخش سوم: خاطرات افرادی که در مدارس جدیدالتاسیس عضو مظفری و بعد از آن تحصیل کردند و از نزدیک با مسائل آشنا شدند و جمله این افراد عیسی صدیق که در مدرسه کمالیه و عبدالله بهرامی که در مدرسه افتتاحیه درس خوانده اند. حال به ذکر مهمترین آثار مدون پرداخته میشود:

"تاریخ معاصر" یا "حیات یحیی" به قلم میرزا یحیی دولت آبادی (۴ جلد ۱۳۳۶- ۱۳۲۸ ش) که ترکیبی است از تاریخ وقایع سیاسی و سرگذشت شخصی، وی وقایع را نگاشته و در ضمن آن خاطراتش را آورده است و بر روی هم، دوره سی ساله ای را از پیش از حرکت مشروطه خواهی تا برافتادن سلسله قاجاریه آورده، (از جلد اول و دوم بیشترین استفاده در این پژوهش

شده است.) جلد اول آن، مطالبی را تا قبل از انقلاب مشروطیت آورده و حجم زیادی از این جلد اختصاص به وضعیت معارف در عصر مظفری دارد، نویسنده کتاب با توجه به اینکه موسس دو مدرسه ادب و سادات بود و یکی از اعضای فعال انجمن معارف، بنا بر این در کتاب خود به چگونگی ایجاد انجمن معارف، شناسایی اعضا و درگیری بین اعضای انجمن در جهت تاسیس مدارس و ذکر تاسیس نمودن مدارس تا قبل از انقلاب مشروطیت پرداخته است که به جرات می‌توان ادعا کرد در هیچ کتابی به اندازه این کتاب به پیدایی انجمن معارف نپرداخته است.

لیکن در عین ذکر جزئیات در مواردی که گفته شد، در مواردی نیز به ذکر کلیات بسنده کرده است، بطور مثال چنین می‌نویسد: "نظامنا مه داخلی و نظامنا مه وزارت معارف نوشته شد، اما از محتوای هر یک نظامنا مه ها سخنی نمی‌گوید و یا در مورد مخارج مدرسه علمیه می‌گوید: "از طریق اعیان و شهریه محصلان تامین می‌شده است".^۸ اما میزان مخارج و اعانات را مشخص نمی‌سازد. در جلد دوم کتاب با توجه به اینکه در جریان سیاستی زمان فعال بوده است کمتر به وضعیت معارف اشاره کرده است. بهر حال کتاب مذکور، منبع ارزنده‌ای بخصوص در شناخت امور معارف در سالهای اولیه تاسیس می‌باشد. خاطرات احتشام السلطنه از محمود خان علامیرا احتشام السلطنه که خاطراتش را در ۱۹۲۰ م / ۱۳۳۹ ش (بعد از معزول شدن از سمت سفیر کمبری اسلامبول) در برلین نوشته است. از افراد فعال انجمن معارف بود و در کتابش که از خاطرات سیاسی به حساب می‌آید، فصلی اختصاص به اوضاع معارف داده و درباره انجمن معارف و مدارس تاسیس شده قبیل از انقلاب مشروطیت، مطالبی ذکر کرده که قابل اهمیت است و یبعد از سعادت برخی از افراد انجمن در سال ۱۳۱۸ ق به حکومت کردستان منصوب شده احتشام السلطنه

فعالیت زیادی در ایجاد و توسعه انجمن معارف و مدارس نمود که این مسئله از لایحی مطالب خاطر اتش و همچنین در نوشته دولت آبادی برداشت می شود. وی بهر حال از طرفداران توسعه تعلیم و تربیت جدید بوده است، و در عین اینکه از کارگذاران دولت بود و با دستگاه سلطنت بستگی داشت، ولی طرفدار حکومت مشروطه و مخالف استبداد بود. بهر حال طرفداری از تعلیم و تربیت و وارد جریانات سیاسی زمانه شدن، با توجه به انتساب به اهمیت است. یادگار عمر به قلم عیسی صدیق، (دو جلد) مطالبی که در پژوهش استفاده شده از خیلول اخذ گردیده است.

وی در این کتاب ضمن نوشتن شرح حال خود از دوران کودکی تا زمانی که در استخدام دولت بوده، وضعیت امور معارف را تا آنجا که خود دخیل بوده، مطرح نموده است. البته اهمیت کتاب بیشتر از این جهت است که وی در مدرسه کمالیه مقطع ابتدایی را در سالهای (۱۳۲۲ تا ۱۳۲۷ ق) به پایان رسانید، و بعد از آن نیز به عنوان یکی از دانشجویان اعزام شده به خارج در ۱۳۲۹ ق/ ۱۲۹۰ ش بود که در رشته تعلیم و تربیت تحصیلات خود را ادامه داد، بعد از بازگشت مدتی ریاست معارف گیلان را داشته و تا حدی بودجه معارف آن منطقه را، سروسامان بخشید. بعد از آن به تدریس در مدارس دارالمعلمین و دارالفنون پرداخت و اطلاعات مفیدی در این خصوص داده است.

یادداشت های ملک المورخین و مرآة الوقایع مظفری، این کتاب در واقع مشتمل است بر دو کتاب از یک مولف، مولف آن، میرزا عبدالحسین خان سپهر، ملک المورخین بوده است.

در دو کتاب مورد نظر حوادث و وقایع عصر مظفرالدین شاه نگاشته شده است. البته در کتاب اول یعنی مرآة الوقایع مظفری، وقایع و حوادث سالهای ۱۳۱۳ (اواخر این سال) تا سال ۱۳۱۶ هجری قمری را در بر می گیرد و کتاب

یادداشتها، حوادث سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ هجری قمری یعنی سالهای پایانی عصر مظفری که به انهدام سلطنت استبدادی انجا میدرا طرح می کند، در واقع مرآه الوقایع، تاریخ سه سال اول سلطنت مظفرالدین شاه و یادداشتها، تاریخ چهار ساله آخر پادشاهی وی را در بر می گیرد، بر طبق آنچه مولف در کتاب نوشته، در سال دهم سلطنت مظفرالدین شاه مرآه الوقایع را نگاشته و یادداشتها را، در خلال نوشته های مرآه الوقایع تحریر نموده است. در کتاب مرآه الوقایع، وی ضمن آوردن وقایع و حوادث مختلف سالهای مذکور، مدارسی که در این دوران، در تهران و شهرستانها تأسیس گردیدند، همراه با ذکر بانی آنها آورده و همچنین مختصری از انجمن معارف نگاشته است که هر چند به اختصار اما اطلاعاتی که در این خصوص می دهد مفید است. در کتاب یادداشتها نیز به ذکر همان مطالبی که در کتاب قبلی اشاره شده پرداخته است. بهرحال کتاب فوق از لحاظ حفظ بی طرفی و توجه به دقایق با وجود به اختصار ذکر کردن مطالب سبویزه آنچه مربوط به معارف ^{است} مفید و ارزنده است. کتاب واقعات اتفاقیه در روزگار از محمد مهدی شریف کاشانی، از دوستان معارف و یکی از اعضای انجمن معارف بوده است. این کتاب مشتمل است بر یک مقدمه، چهار تذکره، و پنج فصل و یک خاتمه می باشد.

در این کتاب تعداد بی شماری اعلامیه، شینامه، اوراق ژلاتین و... که در آن دوران طبع شده گنجانیده است. و رویدادهایی را ذکر کرده که در کمتر کتابی می توان یافت. بهرحال این اثر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در مورد مدارس و امور معارف، وی با آوردن اعلامیه هایی که توسط آزادخواهان انتشار و پخش می گردید و تقاضایی که در این اعلامیه ها از محصلان و روسای مدارس به عنوان افراد آگاه به رویدادهای زمان خود،

می نمودند. جایگاه آموزش را، در آن دوران درمی یابیم ضمناً "وی انتقاداً
از وزارت معارف و وضعیت مدارس نیز کرده است.

همچنین شرحی درباره اعانات ذکر کرده، که همگی آنها از اهمیت خاصی
برخوردار است. "خاطرات عبداللہ بہرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاہ
تا اول کودتا ۱۲۹۹ ش." این کتاب در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی نگاشته
است. وی تاریخ دوران خود را به رشته تحریر درآورده است. و ذکری از مدرسه
افتتاحیہ^{مطلع} ابتدایی را در آن بہشت سر گذاشته است، بہ میان آورد. همچنین
مطالبی پیرامون برنامه مدارس آورده است. "سوانح عمری" توسط فرزند
میرزا حسن رشید شمس الدین رشید، نگاشته شده است. این کتاب در واقع
شرح زندگینامہ میرزا حسن رشید از دوران کودکی و جوانی رشید تا پایان
زندگی وی، کہ در آن شمس الدین رشید بہ شرح فعالیتہای میرزا حسن
و تاسیس مدارس بہ سبک جدید از ابتدا تا آخر پرداختہ است، از این کتب سبب
بہرہ فراوانی گرفتہ شدہ است. از کتابہای کہ درباره انقلاب مشروطیت
قلم زدہ شدند شامل:

تاریخ بیداری ایرانیان از محمدناظم الاسلام کرمانی کہ بہ اہتمام علی کبر
سعیدی سیرجانی، در ۳ جلد انتشار یافتہ است (۱۳۴۶-۴۹)، از معتبرترین
آثار دورہ مشروطیت محسوب می شود کہ در آن درباره تاسیس مدارس بویژہ
تاسیس مدارس نسوان مطالبی طرح گردیدہ کہ قابل بررسی و تعمق است
تاریخ مشروطہ ایران از احمد کسری و تاریخ انقلاب مشروطیت ایران -
مہدی ملک زادہ نیز ہر کدام درباره تاسیس و توسعہ مدارس، مطالبی
ذکر کردہ اند. منابع متعدد دیگری نیز استفادہ شدہ کہ در یادداشتہا
و کتابشناسی اسامی آنها ذکر گردیدہ است.